

The Legitimacy of the Use of Force by Turkey in Attacking Northern Syria from the Perspective of International Law

Morteza Ahmadifard 

Ph.D Student, Public International Law, Law Group, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Mahdi Hatami* 

Associate Professor, Public International Law, Law Group, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Abstract

On January 20, 2018, Turkey launched Operation "Olive Branch" and on October 9, 2019, Operation "Spring of Peace" in northern Syria, violating its territorial integrity and military entry into the country. Also, these attacks continue in a scattered manner. According to Turkish officials, the operation was carried out to eliminate the terror of terrorism and self-defense, given that the use of force in international relations today is prohibited by international law and the UN Charter. This article examines the legitimacy of the use of force by Turkey and examines the behavior, goals and feedback resulting from its actions by citing the principles and rules of International law as well as some international jurisprudence, determines that Turkish government has violated the important principle of the prohibition of the use of force which is explicitly stated in paragraph 4 of Article 2 of the Charter, and the reasons given by the authorities of that government, including the fight against terrorism and legitimate defense, cannot justify a violation of this fundamental rule.


Keywords: Use of Force, UN Charter, Self-defense, Terrorism, Northern Syria.

* Corresponding Author: hatamilaw@uok.ac.ir


How to Cite: Makarem, R., Tahan Nazif, H, "The Legitimacy of the Use of Force by Turkey in Attacking Northern Syria from the Perspective of International Law", The Quarterly Journal of Public Law Research, 23(74), (2022), 303-334. doi: 10.22054/QJPL.2021.57283.2534

مشروعیت توسل به زور ترکیه در حمله به شمال سوریه از منظر حقوق بین الملل

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

مرتضی احمدی فرد 

دانشیار گروه حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

مهدی حاتمی* 

چکیده

دولت ترکیه در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۸ عملیات «شاخه زیتون»^۱ و در تاریخ ۹ اکتبر سال ۲۰۱۹ عملیات نظامی موسوم به «چشمه صلح»^۲ را در شمال سوریه آغاز کرد و اقدام به نقض تمامیت سرزمینی و ورود نظامی به خاک این کشور نمود و هم اکنون نیز این حملات به صورت پراکنده ادامه دارد. مطابق اظهارات مقامات ترکیه، این عملیات به منظور از بین بردن وحشت تروریسم و دفاع مشروع صورت گرفته است. با توجه به اینکه توسل به زور در روابط بین المللی امروز مطابق قواعد حقوق بین الملل و منشور ملل متحد منع شده است، این مقاله مشروعیت توسل به زور از طرف ترکیه را مورد بررسی قرار داده و با بررسی رفتار، اهداف و بازخوردهای ناشی از اقدامات این کشور و با استناد به اصول و مقررات موضوعه بین المللی و نیز برخی رویه های قضایی بین المللی مشخص می کند که دولت ترکیه اصل مهم منع توسل به زور را که به طور مشخص در بند ۴ ماده ۲ منشور مورد تصریح قرار گرفته نقض کرده و دلایل مطرح شده از طرف مقامات آن دولت از جمله مبارزه با تروریسم و دفاع مشروع نمی تواند نقض این قاعده بنیادین را توجیه کند.

واژگان کلیدی: توسل به زور، منشور ملل متحد، دفاع مشروع، تروریسم، شمال سوریه.

* نویسنده مسئول: hatamilaw@uok.ac.ir

1. Olive Branch Operation.
2. Peace Spring Operation.

مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی دوم و با تاسیس سازمان ملل متحد، ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌المللی از شان و مرتبتی ویژه در منشور برخوردار شد، چنانچه تمام اهداف، اصول و ساختار ملل متحد و توزیع اختیارات میان ارگان‌های آن را نیز تحت تاثیر قرار داد. سایه سنگین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر کل منشور ملل متحد، آن را به فلسفه علت وجودی سازمان ملل متحد مبدل ساخته است.^۱ ماده دوم منشور ملل متحد در بند ۴ مقرر می‌دارد: کلیه اعضای سازمان در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا کاربرد آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.

طبق تفسیر تاریخی یا تفسیر مبتنی بر هدف غایی بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، بدیهی است که ممنوعیت مندرج در بند مزبور ماهیتی جامع و جهان شمول دارد. هیچ اصلی از منشور مهمتر از اصلی که در ماده ۲، بند ۴... تجسم یافته است نیست؟ بنابراین منطقی است که ماده ۲ بند ۴ بعنوان «مادر همه مقررات مربوط به توسل به زور در منشور» مورد لحاظ است.^۳ با توجه به مقررات موضوعه، عرف، عادات و رویه بین‌المللی؛ به نظر می‌رسد هیچ توسل به زوری از سوی یک دولت علیه کشور دیگر قابل قبول نیست ولی امروزه برخی کشورها به بهانه مبارزه با تروریسم و دفاع مشروع دست به اقدام نظامی علیه بخش‌هایی از کشور دیگر می‌پردازند مخصوصاً زمانی که آن کشور از حکومت مرکزی قدرتمندی برخوردار نباشد که می‌توان به مواردی از جمله توسل به زور روسیه در الحاق کریمه و تفکیک آن از اکراین اشاره کرد یا توسل به زور ترکیه در عملیاتی با نام شاخه زیتون سال ۲۰۱۸ در حمله به عفرین در شمال سوریه یا حمله همین کشور در سال ۲۰۱۹ در عملیاتی با عنوان چشمه صلح به شمال سوریه بعنوان نمونه دیگر اشاره کرد.

۱. سید قاسم زمانی، «سیاست‌های قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در قبال اصل ممنوعیت توسل به زور»، مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، (۱۳۸۶)، ص ۶۵.

2. Michael Wood, "International Law and the Use of Force: What Happens in Practice?", *Indian Journal of International Law*, Vol. 53, (2013), pp. 342-364.

۶. جمشید ممتاز و بهزاد صابری انصاری، «تاثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور»، مجله راهبرد، شماره ۶۳، (۱۳۹۱)، صص ۲۰۴-۱۷۵.

در این مقاله قصد بر آن است که به این پرسش پاسخ داده شود آیا توسل به زور ترکیه علیه مرزهای شمالی سوریه نقض قاعده منع توسل به زور و منشور ملل متحد است؟ آیا بهانه توسل به زور برای مبارزه با تروریسم نقض قاعده منع توسل به زور را توجیه می‌کند؟ آیا ترکیه می‌تواند حملات پراکنده یک گروه را حمله تروریستی قلمداد کرده و به بهانه مبارزه با تروریسم و دفاع مشروع با نقض تمامیت ارضی یک کشور مستقل از قاعده بنیادین منع مداخله و توسل به زور عدول کند؟

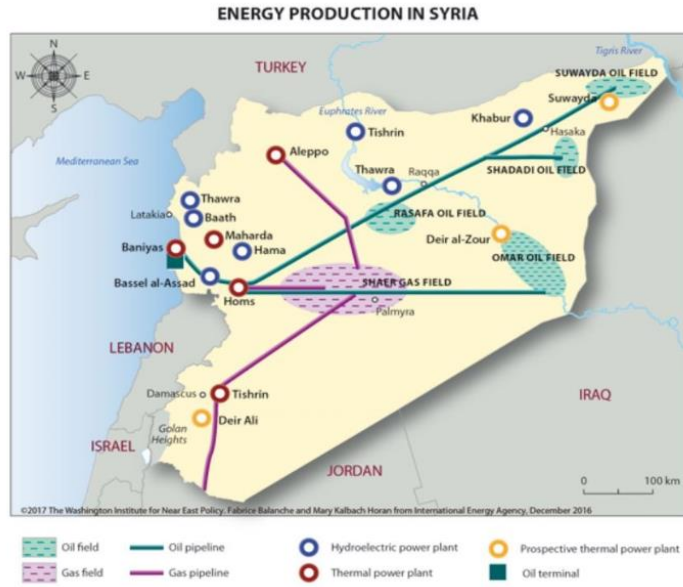
۱. وضعیت جغرافیایی و جمعیتی شمال سوریه

کردستان سوریه از سه کانتون یا بخش، متشکل از کانتون عفرین، کوبانی و جزیره^۱ (شامل مناطقی از حسکه و قامشلی) تشکیل شده است. مناطق مورد ادعای کردهای سوریه شامل سه استان حلب، رقه و حسکه است؛ بنابراین کردها مناطق مرزی و شمالی کشور سوریه را در نظر دارند. جنگ داخلی در سوریه تعادل جمعیتی را در سه کانتون کرد (جزیره، کوبانی و عفرین) با تخمین حدود ۲.۵ میلیون نفر به طور کامل بر هم زد (انسجام جمعیتی به دلیل دخالت سیاست‌های تغییر بافت جمعیتی ترکیه از بین رفته است). جوامع کُرد حلب و دمشق بیش از یک میلیون نفر می‌باشند که در مجموع می‌توان جمعیت کردهای سوریه را ۳ تا ۳.۵ میلیون نفر یا تقریباً ۱۵٪ از جمعیت سوریه برآورد کرد.^۲ منطقه کردستان سوریه سرشار از منابع نفتی است. منطقه نفتی شدادی که دومین ذخایر منابع در سوریه بعد از جبل‌الشاعر است و همچنین میادین نفتی مهم رمیلان و جیسه از مناطق مهم در حوزه ادعایی کرده است.

1. Djezirah, Kobane and Afrin.

2. Support for the Refugees and Displaced People in Kurdistan available at <https://www.institutkurde.org/en/info/kurdish-diaspora-1232550988>.

عکس ۹- پراکندگی منابع انرژی در سوریه



عکس ۱۰- کنترل مناطق شمال سوریه



رنگ سبز: مناطق کورد نشین رنگ آبی: شورشیان سوری مورد حمایت ترکیه
رنگ قهوه ای: گروه‌های مخالف قهوه‌ای کم رنگ: دولت اسد

۲. حمله نظامی ترکیه به شمال سوریه

ترکیه ۱۷ مهرماه ۹۸ برای عقب راندن شبه‌نظامیان کرد سوریه از مناطق مرزی الرقه و الحسکه سوریه، عملیات نظامی موسوم به «چشمه صلح» را در شمال سوریه آغاز کرد و موفق به عقب راندن شبه‌نظامیان کرد از این منطقه مورد نظر شد. یکی از اهداف ترکیه از این عملیات نظامی به بیان مقامات آن کشور ایجاد منطقه امن در شمال سوریه در حدفاصل شهرهای راس‌العین و تل‌ابیط به طول ۱۲۰ کیلومتر و عمق ۳۰ کیلومتری از مرزهای ترکیه بود. در روز ۶ اکتبر ۲۰۱۹ (سه روز قبل از شروع عملیات نظامی) دونالد ترامپ دستور داد نیروهای نظامی آمریکایی که در شمال شرقی سوریه حضور داشتند از این منطقه (جایی که ایالات متحده از متحدان کرد خود پشتیبانی می‌کرد) خارج شوند. دو هفته پس از شروع مخاصمات، روسیه و ترکیه در جریان مذاکرات «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، و «رجب طیب اردوغان» همتای ترکیه‌ای وی، در سوچی روسیه در تاریخ ۳۰ مهر (۲۲ اکتبر) به توافق ۱۰ ماده‌ای درباره سوریه دست یافتند^۱ که مهمترین بخش آن تفاهم بر سر خروج تمام واحدهای متعلق به شبه‌نظامیان کرد از عمق ۳۰ کیلومتری مرز ترکیه از جمله منبج و مناطق حومه آن است.^۲ وزارت دفاع ترکیه اعلام کرد که تمامی فعالیت‌های نیروهای مسلح کشور به منظور ایجاد منطقه امن در شمال سوریه مطابق با قوانین و حقوق بین‌الملل است.

۲-۱. اهداف ترکیه در شمال سوریه

ترکیه در شمال سوریه بر اساس همان راهبرد دفاع از مرزها و بازدارندگی سیاست نظامی و امنیتی خود را تبیین کرده است. طبق این راهبرد ابتدا در سال ۹۷ به غفرین (عملیات شاخه زیتون) حمله کرد و سپس عملیات چشمه صلح را در شمال سوریه با وسعت

1. <https://www.aa.com.tr/en/turkey/turkey-hails-historic-syria-deal-with-russia/1623101>

۲. ترکیه یک پایگاه روسیه و ۶ روستا در شرق سوریه را گلوله باران کرد، ۲۹ فروردین ۱۴۰۱، ۲:۲۷، کد خبرنگار:

۲۴۴۵، کد خبر: ۸۴۷۱۹۹۸۵ قابل مشاهده در سایت. <https://www.irna.ir/news/83560764>

گسترده‌تری انجام داده است. در نتیجه می‌توان اهداف ترکیه در شمال سوریه و همچنین چرایی حمله به این مناطق را در موارد زیر خلاصه کرد:^۱

الف- در مرحله اول ترکیه به دنبال سرکوب و تضعیف کردها برای استقلال یا خودمختاری است. راه‌حل آنکارا نیز بر تضعیف قدرت نظامی کردها بعنوان مکمل قدرت سیاسی آنهاست. با عدم حمایت آمریکا از کردها، ترکیه شرایط را برای انجام اقدامات علیه کردها در تضعیف قدرت نظامی آنها و به تبع قدرت سیاسی‌شان مساعد دید. بنابراین ترکیه با انفعال به تماشای داعش در تلاش برای از بین بردن کردهای سوریه که درست در آن طرف مرز ترکیه در کوبانی محصور شده بودند نشست.^۲

ب- با توجه به تضعیف قدرت نظامی کردها، آنکارا اکنون به از هم گسیختگی بستر فکر می‌کند. ترکیه با این حملات به دنبال قطع کانتون‌های کردی سوریه با یکدیگر بود. با حمله به عفرین، کانتون سوم کردی و با حمله اخیر دو کانتون جزیره و کوبانی نیز از هم جدا خواهند شد. به گفته اسپوتنیک نیوز منطقه شهباز و روستای تل رفعت از طریق توپ و خمپاره‌انداز مورد حمله قرار گرفتند، ترکیه می‌خواهد به عفرین حمله کند تا آن را از دیگر کانتون‌ها جدا کند، این به دنبال جلوگیری از اجرای پروژه خودمختاری دموکراتیک است.^۳

پ- برنامه‌های ترکیه برای اسکان مجدد پناهجویان سوری در منطقه امن:^۴ با ایجاد گسست در مناطق کردی، ترکیه وارد فاز بعدی خود یعنی اسکان افرادی غیر از کردهای کنونی می‌شود. بر اساس طرحی که ترکیه مدنظر قرار داده است، کردهای سوریه باید از منطقه امن اخراج و حدود ۲ میلیون عرب سوری بجای آنها اسکان داده شوند. ترکیه نمی‌خواهد پناهجویان سوری را در آن مناطق مستقر کند، فقط می‌خواهد از سایر مناطق سوریه پناهجویان را به مناطقی که کردها زندگی می‌کنند بفرستد، با استفاده از گروه‌های

۱. عملیات ترکیه در شمال سوریه و ۳ سناریوی پیش رو. پایگاه بصیرت / گروه بین‌الملل / محمدرضا فرهادی تاریخ انتشار: ۲۸ مهر ۱۳۹۸ - ۱۵:۵۱، شناسه خبر: ۳۱۷۷۵۸ / مشاهده در تاریخ ۱۵/۸/۹۹. <https://basirat.ir/fa/news>

2. Michael M. Gunter, "Reopening Turkey's Closed Kurdish Opening", Middle East Policy, Vol. 20 (Summer 2013), pp. 88-98

3. Turkey- Seeks- Cut-Off- Afrin available at <https://sputniknews.com/middleeast/201707131055506736>.

4. Safe Area.

شورش‌های سوریه مورد حمایت ترکیه آن منطقه را قبل از اسکان مجدد پاک کند.^۱ رئیس‌جمهور اردوغان پس از تسلط بر نوار ۷۵ مایلی سرزمین بین شهرهای تل ابیض و راس العین اعلام کرد که ترکیه منطقه امن را ایجاد می‌کند که در آن پناهندگان سوری بتوانند اسکان داده شوند. بنابراین به نظر می‌رسد هرگونه برنامه‌ریزی برای اعزام تعداد نسبتاً زیادی عرب سنی از مناطق دیگر کشور به این منطقه تلاشی برای مهندسی جمعیت است. آنتونیو گوترش،^۲ دبیرکل سازمان ملل، متحد گفت: کاهش تنش مجدد درگیری در شمال سوریه کاملاً ضروری است.^۳ اظهارات وی در پی شروع حملات هوایی و حمله زمینی توسط ترکیه تنها چند روز پس از آنکه ایالات متحده اعلام کرد نیروهای خود را از سوریه خارج می‌کند، بیان شد. به طور خلاصه برنامه اردوغان نه تنها قاعده ضرورت دفاع مشروع را توجیه نمی‌کند بلکه باعث بی‌ثباتی و رنج انسانی زیادی خواهد شد. بعلاوه الگویی که برای سایر کشورهای میزبان پناهندگان در منطقه (یا در آفریقا یا آمریکای لاتین ایجاد خواهد شد) می‌تواند تهدیدی مهم برای رژیم پناهندگان بین‌المللی باشد.^۴

ت- تسلط بر مناطق استراتژیک کانتون‌های کردی: جاده ترانزیت و استراتژیکی در عمق سی کیلومتری از مرزهای ترکیه وجود دارد به نام M4 که از شمال شرق سوریه آغاز شده به سواحل دریای مدیترانه و بندر لاذقیه می‌رسد و این جاده نباید در اختیار کردهای سوریه قرار گیرد. دلیل آن این است که جاده مزبور از مرزهای عراق شروع شده و از شهرهای حومه حسکه - عین عیسی - منبج - الباب - حلب - ادلب - جسرا الشغور و لاذقیه

1. UN Open to Turkish Plan for Northern Syria As 300,000 Kurds Forced Out available at <https://www.jpost.com/Middle-East/UN-open-to-Turkish-plan-for-northern-syria-as-300000-Kurds-forced-out-606630>.

2. UN Secretary-General António Guterres.

3. De-Escalation of Turkish Military Operation in Northern Syria 'Absolutely Essential' available at <https://news.un.org/en/story/2019/10/1049021>.

4. Displacement and Despair: the Turkish Invasion of Northeast Syria Available at <https://reliefweb.int/report/syrian-arab-republic/displacement-and-despair-turkish-invasion-northeast-syria>.

عبور می کند. این امر به منزله یک کریدور مهم برای مناطق کردی عراق و سوریه است که دسترسی آنها به دریای مدیترانه را فراهم می کند.^۱
ت- تسلط بر منابع انرژی این منطقه

۲-۲. جلسه ۸۶۴۵ شورای امنیت ۲۴ اکتبر ۲۰۱۹ در مورد حمله ترکیه به شمال سوریه

این اجلاس با حضور نمایندگان کشورهای مختلف جهان در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۹ تشکیل شد در این جلسه نماینده دائم سوریه اظهار داشت: ادعای ترکیه در مورد اینکه اقدامات مرزی فقط تروریست ها را هدف قرار می دهد رد می کند، نماینده دائم سوریه بیان داشت ترکیه از حق دفاع از خود برای اشغال سرزمین مستقل استفاده می کند.^۲

نماینده ترکیه در پاسخ به دغدغه های اعضای شورا اظهار داشت: «همه ما حق داریم نظرات خودمان را داشته باشیم، اما حق نداریم حقایق خودمان را داشته باشیم.»^۳ عملیات چشمه صلح مداخله مرزی محدود است که قصد دارد با سازمان های تروریستی مبارزه کند. این هدف از بین بردن تهدید طولانی مدت تروریسم، اجرای وحدت و تمامیت ارضی سوریه، حمایت از جمعیت محلی و ایجاد شرایطی برای بازگشت داوطلبانه، ایمن و عزتمندانه آوارگان سوری است. وی با تأکید بر اینکه این عملیات با احترام کامل به قوانین بین المللی انجام شده است - فقط تروریست ها و مخفیگاه های تروریستی، سلاح و وسایل نقلیه را هدف قرار داده است - برنامه هایی را برای منطقه مرزی بیان کرد و اظهار داشت: تلاش های مشترک ما مانع از ایجاد یک کشور ترور در شمال سوریه شده است.

۱. <https://basirat.ir/fa/news> تاریخ انتشار: ۲۸ مهر ۱۳۹۸ - ۱۵:۵۱، شناسه خبر: ۳۱۷۷۵۸ / مشاهده در تاریخ ۹۹/۸/۱۵. عملیات ترکیه در شمال سوریه و ۳ سناریوی پیش رو. پایگاه بصیرت / گروه بین الملل / محمدرضا فرهادی.

2. Security Council 8645th Meeting (PM) 24 October 2019 available at <https://www.un.org/press/en/2019/sc13994.doc.htm>.

3. We Are All Entitled to Our Own Views, but we are not Entitled to Our Own Facts, available at <https://www.un.org/press/en/2019/sc13994.doc.htm>. Turkey's Military Operation Has Displaced Thousands of Civilians, Worsened Syria's Dire Humanitarian Crisis, Top Official Warns Security Council.

بشار جعفری^۱ (نماینده سوریه) با رد این ادعاها گفت که ترکیه دور جدیدی از تجاوز علیه تمامیت ارضی کشورش را آغاز کرده است و منجر به اشغال قلمرو، کشته شدن صدها نفر، آوارگی صدها هزار نفر و کشتار بزرگ شده است.^۲ جای تاسف دارد که مسئولان سخنرانی امروز، آن تجاوز را محکوم نکردند. سوریه در بیانه‌های خود بعنوان یک کشور مستقل که از اصول سازمان ملل متحد محافظت نمی‌شود، به رسمیت شناخته شده است. وی افزود که توضیحات ترکیه در مورد تجاوز از جمله استناد به ماده‌ای در منشور سازمان ملل که می‌تواند دفاع از خود را ممکن کند، پر از دروغ بوده است؛ این ماده برای حمله به کشور دیگری قابل استفاده نیست. نمایندگان کشورهای چین و روسیه نیز نگرانی خود از این عملیات را اعلام کردند و خواستار خویشتنداری دولت ترکیه شدند. آنچه که از گفته‌های نمایندگان کشورها در این اجلاس بر می‌آید نشان دهنده این واقعیت است که همه آنها از توسل به زور کشور ترکیه نگرانند ولی به طور صریح و به خاطر منافع سیاسی به نقض اصل مهم توسل به زور اشاره‌ای نکرده‌اند. اکنون با ملاحظه اظهارات نمایندگان کشورهای مختلف به بررسی وضعیت اصل منع توسل به زور در عملیات شاخه زیتون و چشمه صلح از سوی ترکیه پرداخته می‌شود که آیا نقض شده است یا خیر؟

۳. توسل به زور

در دوران معاصر مهمترین و عام‌الشمول‌ترین منبع از نظر حقوق بین‌الملل، منشور سازمان ملل متحد است. اینکه قوانین بین‌المللی حاکم بر استفاده از زور (Jus ad bellum)، سنگ بنایی از نظام بین‌الملل و نظم حقوقی آن را تشکیل می‌دهد، جای بحث نیست. در دهه‌های اخیر با توجه به ممنوعیت‌های بوجود آمده در اسنادی همچون منشور ملل متحد،

1. Bashar Jafari. available at <https://www.un.org/press/en/2019/sc13994.doc.htm>.

Turkey's Military Operation Has Displaced Thousands of Civilians, Worsened Syria's Dire Humanitarian Crisis, Top Official Warns Security Council

2. Turkey Has Started a New Round of Aggression Against the Territorial Integrity of his Country, Leading to the Occupation of Territory, Deaths of Hundreds, Displacement of Hundreds of Thousands and Great Destruction. available at <https://www.un.org/press/en/2019/sc13994.doc.htm>. Turkey's Military Operation Has Displaced Thousands of Civilians, Worsened Syria's Dire Humanitarian Crisis, Top Official Warns Security Council

قطعه‌نامه‌های ارکان صلاحیت‌دار سازمان ملل و معاهدات بین‌المللی فراوان دوجانبه و چندجانبه و ... نبردهای بین کشورهای مستقل کم‌رنگ شده و جنگ‌های نیابتی و درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی (NIAC) بسیار رایج شده است. در این دوره جدید جنگ نیابتی، سرعت انتشار فناوری، اطلاعات و سلاح‌ها، انحصار دولت‌ها در استفاده از زور را کم رنگ کرده است. جامعه بین‌المللی متحمل اثرات فاجعه‌انگیز یک درگیری سیستماتیک (همانند آنچه که در مورد جنگ جهانی اول و دوم رخ داد) نبوده است^۱ بلکه وقتی امروز یک کشور متوسل به زور می‌شود، بیشتر از همه این کار را علیه یک بازیگر غیردولتی انجام می‌دهد. نمونه قابل توجه، گروهک تروریستی دولت اسلامی (داعش) است. با این وجود، جامعه بین‌الملل ناچار به تحمل بی‌ثباتی و رنج‌های بی‌شمار جنگ، درگیری و تهدید و نقض صلح و امنیت بین‌المللی است که رنج‌های غیرقابل محاسبه‌ای را برای بسیاری به بار آورده است. از یک نظر، چنین دیدگاهی مملو از نابودی اعتماد نسبت به سیستم بین‌المللی و ظرفیت آن برای جلوگیری از درگیری است که می‌تواند منجر به این نتیجه شود که تلاش برای تنظیم رفتار دولت‌ها بی‌فایده است. باید درگیری‌های مداوم در سوریه و یمن و الحاق بخش‌هایی از اکراین به روسیه را در ذهن داشته باشیم و مداخله ترکیه در شمال سوریه، بررسی می‌شود که چه زمانی یک دولت می‌تواند برای محافظت یا کمک به یک دولت دیگر وارد خاک آن کشور شود؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان سه حالت را متصور بود.

۱-۳. موضع‌گیری دول ثالث در قبال انواع مخاصمات

الف - مخاصمه مسلحانه بین‌المللی: در این نوع مخاصمات اصل بر حمایت دول خارجی از کشور مورد تجاوز واقع شده است و می‌تواند با رضایت و دعوت آن دولت (به نظر کمیته ویژه مجمع عمومی سازمان ملل نباید هیچگونه ابهامی در این دعوت و رضایت وجود داشته باشد)^۲ وارد خاکش شوند.

1. Tarcisio Gazzini, Nicholas Tsagourias, *The Use of Force in International Law* (Oxford: First Published, Ashgate, 2012; Reviewed Copy, Routledge, 2016).

2. Report of the Special Committee on the Problem of Hungary, Official Records: Eleventh Session, Supplement No. 18 (A/3592), 1957, Para. 266, available at <https://mek.oszk.hu/01200/01274/01274.pdf>.

ب- در منازعات داخلی: اصل بر بی طرفی سایر دول می باشد، اما استثنائاتی بر این اصل وارد می باشد که عبارتند از: ۱- اقدام گروه شورشی، منتسب به دولت ثالث باشد؛ ۲- اقدام در چهارچوب معاهدات منطقه ای یا با مجوز شورای امنیت باشد، در این شرایط دولت ثالث می تواند به نفع حکومت مرکزی وارد عمل شود.

پ- مداخله به نفع شورشیان در منازعات غیربین المللی: با وجود شمولیت یکی از دو شرط «حق تعیین سرنوشت» یا «مجوز شورای امنیت»، کشور ثالث می تواند به نفع گروه شورشی وارد عمل شود. برخی از اصول بین المللی با اهمیت زیاد مانند اصل تعیین سرنوشت ممکن است در رابطه با موارد مختلف واقعی و حتی گاهی اوقات در رابطه با همان مورد برای تقویت یا به چالش کشیدن سایر اصول بین المللی مورد استفاده قرار گیرد. بعنوان مثال اگر به اصل تعیین سرنوشت مردم به طور کلی برای انکار قانونی بودن مداخله نظامی خارجی استناد شود، نمی توان رد کرد که می توان اصل را - حداقل در حد مجاز قانون - برای توجیه مداخله نیز ذکر کرد.^۱ همانگونه که مشخص است حضور نظامی ترکیه در سوریه بارها با مخالفت دولت مرکزی سوریه روبرو شده است و قابل انطباق بر موارد فوق نیست.

۲-۳. مجوز شورای امنیت

ترکیه برای ورود نظامی به خاک سوریه مجوزی از شورای امنیت دریافت نکرده است بلکه به موادی از منشور که حاوی شرایط خاص مجوز برای توسل به زور است استناد ورزیده و بر همین اساس پیشروی خود در خاک سوریه را توجیه کرده است. طبق منشور ملل متحد، چنانچه شورای امنیت تهدید یا نقض صلح و یا عمل تجاوز را شناسایی کند می تواند به دو طریق اقدام نماید: ۱- توصیه ۲- اقدامات اجرائی. علاوه بر این، شورا می تواند برای جلوگیری از وخامت اوضاع، قبل از توصیه و یا تصمیم؛ از طرفین ذینفع بخواهد تا اقدامات موقتی را که شورا ضروری یا مطلوب تشخیص می دهد انجام دهند.^۲

1. Pietro Pustorino, The Principle of Non-intervention in Recent Non-international Armed Conflicts, Question of International Law, Vol. 53, (2018).

۲. هوشنگ مقتدر، تحولات سازمان ملل متحد (شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۵۳) ص ۵۸.

همچنان که کمیسیون حقوق بین‌الملل خاطر نشان کرده است «ضابطه منشور راجع به ممنوعیت استفاده از زور، نمونه آشکاری از یک قاعده حقوق بین‌الملل است که دارای ویژگی قاعده آمره^۱ است». منع ایجاد شده توسط ماده ۲ تنها شامل استفاده نظامی از زور می‌شود.^۲

۳-۳. دفاع مشروع

همانگونه که در بیانات نماینده ترکیه در اجلاس ۸۶۴۵ شورای امنیت مشخص بود دولت ترکیه هدف خود از مداخله مرزی در شمال سوریه را دفاع مشروع در برابر تهدیدهای مرزی و ایجاد منطقه امن جهت بازگشت آوارگان سوری ذکر کرده است. حال به بررسی مشروعیت دفاع که وی استناد کرده است پرداخته می‌شود؛ دفاع مشروع نشان می‌دهد که چگونه حق تعیین سرنوشت، حق آزاد بودن از نسل‌کشی و حق دفاع از خود، همه از یک حق اصلی‌تر که ممکن است آن را حق وجود بنامند - حقی که نه فقط به دولت‌ها بلکه به ملت‌ها و مردمان نیز مرتبط است - نشات می‌گیرد.^۳ لازم بذکر است که ماده ۵۱ هرگونه حق دفاع مشروع قبلی را که پیش از منشور سازمان ملل متحد در حقوق بین‌المللی عرفی وجود داشته است، بدون هیچگونه تردیدی به وضعیت وقوع حمله نظامی محدود ساخته است. بویژه هرگونه خودیاری تجاوزکارانه (دفاعی که جنبه تجاوز دارد) از طریق تهدید یا استفاده از نیروی نظامی خارج از چارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به موجب قواعد آمده منشور غیر قانونی اعلام شده است.^۴ پس مشخص است که دفاع

1. Jus Cogens.

۲. فریده محمدعلی پور، «ممنوعیت کاربرد یا تهدید توسل به زور»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال نهم، شماره ۳۵،

(۱۳۸۱)، ص ۶

3. Jens David Ohlin, "The Doctrine of Legitimate Defense", INT'L L. STUD, Volume. 91, (2015).

4. Advisory Board, "Encyclopedia of Public International Law", Vol. 4, "Use of Force, War and Neutrality, Peace Treaties", North Holland Publishing Co. 1982, available at [https:// www. imps. ac. ir/ uploads/LawBooksJI/Encyclopedia-of-Public-International-Law.pdf](https://www.imps.ac.ir/uploads/LawBooksJI/Encyclopedia-of-Public-International-Law.pdf).

مشروع زمانی مصداق پیدا می‌کند که در روابط بین‌المللی بین کشورها یک حمله مسلحانه رخ دهد. در ادامه به شرایط دفاع مشروع می‌پردازیم.

۴. شرایط دفاع مشروع

شرایط کلی دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل به قرار زیر است:

الف- در ماده ۵۱ منشور ملل متحد تصریح شده است، وقوع حمله نظامی شرط اصلی برای دفاع مشروع است و هرگونه حمله پیشگیرانه در این خصوص فاقد ارزش حقوقی بوده و دفاع محسوب نمی‌شود. بارها دولت ترکیه موضوع حمله پیشگیرانه را مطرح کرده است در حالی که دفاع مشروع حتماً باید مسبوق به تهاجم نظامی باشد و تهاجمات ایدئولوژیک، فرهنگی یا اقتصادی اساساً تجاوز محسوب نمی‌شوند.

ب- دفاع مشروع ضرورت داشته باشد: یعنی اینکه دفاع مشروع زمانی می‌تواند انجام شود که راه‌های دیپلماتیک و غیرنظامی جهت رفع تجاوز وجود نداشته باشد، البته این شرط در اصل عینیت ندارد و معمولاً رعایت نمی‌شود. واضح است که ضرورت زمینه‌ای برای معافیت یک کشور از مسئولیت یک عمل نادرست بین‌المللی است. هنگامی که یوگسلاوی (صربستان) از بلژیک برای شرکت در بمبگذاری اهداف صربستان به رهبری ناتو شکایت کرد، بلژیک از دیوان (ICJ)^۱ به ضرورت دفاع مشروع استناد کرد و بیان داشت برای جلوگیری از نقض گسترده حقوق بشر و جنایات علیه غیرنظامیان بی‌گناه در صورت لزوم، مداخله نظامی مجاز است. دیوان پرونده را به دلایل عدم صلاحیت قضایی رد کرد و هرگز به مرحله رسیدگی نرسید، اما جای تردید بود که دادگاه این استدلال را قبول می‌کرد. اول اینکه دکتترین ضرورت در اکثر موارد ایجاب می‌کند که دولت مورد نظر در جهت تأمین منافع اساسی دولت خود عمل کند، در حالی که در این قضیه بلژیک برای تأمین منافع شخص دیگری اقدام می‌کرد. بنابراین قاعده ضرورت از کشوری که به دلایل خودخواهانه (در راستای منافع مستقیم خود) اقدام می‌کند حمایت می‌کند نه به دلایل نوع‌دوستانه یا انسانی (آن هم از منافع دولت‌های دیگر). از این رو نمی‌تواند زمینه‌ای برای مداخله بشردوستانه باشد. اما حتی اگر از این الزام اعتقادی اجتناب شود، مشکل

1 International Court of Justice.

بیشتر در مورد دکترین ضرورت، باز هم تضعیف چارچوب ماده ۵۱ است.^۱ حال سوال این است که آیا حمله نظامی ترکیه به خاک سوریه ضرورت داشته است؟

پ- میان حمله و دفاع تناسب وجود داشته باشد، اساساً تعیین اینکه تجاوزی صورت گرفته یا خیر، در اختیار شورای امنیت است و در صورت بروز تجاوز، بایستی دفاع مشروع متناسب با آن صورت پذیرد. بنابراین اگر تجاوز فقط در حد یک درگیری کوچک مرزی باشد، نباید دفاع در برابر آن به گونه‌ای باشد که به تخریب عمده در کشور متجاوز منتهی گردد که این موضوع در خصوص دولت ترکیه به فرض اینکه از طرف گروه‌های شبه نظامی کرد نیز مورد حمله قرار گیرند توجیهی برای حمله نظامی و ورود نیروهای نظامی به خاک یک کشور مستقل نیست.

ت- دفاع برای آنکه مشروع باشد، باید فوری بوده و با سرعت متعاقب تجاوز صورت گیرد. بنابراین چنانچه تجاوز انجام و پایان گرفته باشد و دفاع مدتی پس از آن صورت گیرد، دفاع مزبور مشروع تلقی نخواهد شد بلکه اقدام تلافی‌جویانه محسوب می‌گردد (همانند آنچه که در موضوع قبل بعد از حمله ترکیه به مناطق شمالی سوریه به وقوع پیوست) مگر اینکه تجاوز و اشغال استمرار داشته باشد، در هر حال باید توجه داشت که هرگونه اقدام تلافی‌جویانه از نظر حقوق بین‌الملل ممنوع و مطرود است.

۵. دفاع پیش‌دستانه^۲

مفهوم «پیش‌دستانه» یکی از مفاهیم نسبتاً جدیدی است که در حوزه «دفاع مشروع» مطرح می‌شود. طبق دکترین «دفاع پیش‌دستانه» که با نام «دفاع مشروع پیش‌دستانه» نیز خوانده می‌شود، پاسخ مسلحانه به حملات قریب الوقوع و یا آنجا که حمله‌ای صورت گرفته است و دولت قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است که در آینده انجام پذیرد، مجاز و مشروع است، بنابراین دکترین «دفاع پیش‌دستانه» توسل به زور را در چندین حالت مجاز می‌شمارد: حالت اول آنکه شواهد متقاعد کننده‌ای مبنی بر وقوع یک حمله مسلحانه قریب الوقوع وجود داشته باشد، دوم آنکه دولتی یک بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و شواهد آشکار و متقاعد کننده‌ای مبنی بر حملات آتی دشمن در

1. Jens David Ohlin, "The Doctrine of Legitimate Defense", International Law Studies, Volume. 91, (2015).

2. Preemptive Self-Defenses.

اختیار داشته باشد. در این حالت نیازی به منتظر ماندن دولت قربانی نیست و آن دولت می‌تواند قبل از وقوع حملات آتی به دفاع مشروع پیشدستانه متوسل شود، اما در صورت فقدان شواهد متقاعد کننده مبنی بر حملات آتی، توسل به نیروی مسلحانه تحت لوای دفاع از خود، غیرقانونی و غیرمشروع خواهد بود، مشروع بودن دفاع باید فوراً به شورای امنیت گزارش و اطلاع‌رسانی شود.^۱ ایالات متحده و بریتانیا تأکید می‌کردند که حملات ۱۱ سپتامبر بخشی از سلسله حملاتی بوده که از ۱۹۹۳ علیه ایالات متحده شروع شده است. آنها عنوان می‌کردند که مرتکبان این حملات در حال طراحی حملات بیشتری هستند.^۲ در شرایطی که قرار است نیرو در دفاع از خود پیش‌بینی شود، دو شرط دیگر برای حمله مسلحانه قریب الوقوع اعمال می‌شود. اول، اقدامات نظامی باید فقط بعنوان آخرین چاره مورد استفاده قرار گیرد. در مرحله دوم نیروی مورد استفاده باید متناسب با تهدیدی باشد که وجود دارد و باید به موارد ضروری برای مقابله با تهدید، محدود شود.^۳ از جمله کاربرد این نظریه در بکارگیری نیروهای نظامی آمریکا و کشورهای متحدش برای حمله به عراق و افغانستان بوده است. ترکیه معتقد است که در نوار شمالی سوریه اتفاقاتی رخ داده است که دفاع مشروع را توجیه می‌سازد، یعنی مقامات آنکارا معتقدند که منشأ تهدید، تروریسم و اقدامات علیه حاکمیت ملی ترکیه در آنجا واقع شده است، اقداماتی هم صورت گرفته و با خروج ایالات متحده آمریکا، این اقدامات می‌تواند تشدید شود. به همین دلیل ترکیه تشخیص می‌دهد که برای ایجاد نوار امن وارد آن منطقه شود. در این میان یک تحلیل هست که این استدلال را مطرح می‌کند که هدف ترکیه صرفاً سرکوب یگان‌های مدافع خلق بعنوان شاخه سوری پ.ک.ک در ترکیه نیست و ترکیه اهداف کلان‌تر و بزرگتری دارد که به تغییر بافت جمعیتی شمال سوریه و اسکان

۱. محسن شریفی، «تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۶۵، (۱۳۸۲)، ص ۹۶.

سید فضل‌الله موسوی، مهدی حاتمی، «دفاع مشروع پیشدستانه در حقوق بین‌الملل»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۲، (۱۳۸۵)، صص ۲۳۱۱.

3. Daniel Bethlehem, "Principles Relevant to the Scope of a State's Right of Self-Defense against an Imminent or Actual Armed Attack By Nonstate Actors", *The American Journal of International Law*, Vol. 106, (2012).

آوارگان عرب بر می‌گردد که در بلندمدت می‌تواند منجر به الحاق نانوشته بخشی از شمال سوریه به خاک ترکیه شود.^۱

۶. دولت ناتوان^۲

اگر دولتی نتواند در چارچوب مرزهای خود بر سرزمین و مردم خویش اعمال اقتدار نماید و قادر به ارائه خدمات سیاسی به جمعیت خود نباشد و در آن سرزمین جنگ‌های داخلی و نقض‌های گسترده حقوق بشر صورت گیرد اما قادر به حل و فصل این مسائل نباشد، «ناتوان» محسوب می‌شود. دبیر کل سازمان ملل در گزارش ۲۱ مارس ۲۰۰۵ به گزارش کمیسیون مداخله و حاکمیت کشورها و هیأت عالی‌رتبه درباره تهدیدها، چالش‌ها و تغییرها اشاره نموده و سپس نظر موافق خود در خصوص مسئولیت حمایت را اعلام می‌دارد و تک‌تک کشورها را مسئول حمایت از اتباع خود می‌داند. ایشان به این نکته تأکید می‌کند که اگر کشوری ناتوان باشد یا تمایلی به حمایت از شهروندان خود نداشته باشد، جامعه بین‌المللی مسئولیت حمایت از اتباع آن کشور را بر عهده می‌گیرد و می‌تواند از شیوه‌های دیپلماتیک، بشردوستانه و غیره استفاده کند. وقتی چنین شیوه‌هایی ناکافی بنظر برسد شورای امنیت ممکن است تصمیم بگیرد.^۳ بر اساس منشور اقدامات قهری انجام دهد. برجسته‌ترین نمود ناتوانی دولت، فقدان حکومت مقتدر است. علاوه بر معضلات داخلی، این دولت به خاطر روانه کردن سیلی از آوارگان به دولت‌های همسایه و فراهم کردن زمینه‌های مداخلات بشردوستانه و امکان تبدیل شدن به مامنی برای تروریست‌ها، تهدیداتی جدی را متوجه جامعه بین‌المللی می‌کنند. نامیدن یک دولت بعنوان ضعیف یا ناتوان بیشتر مسئله ارزیابی و بررسی بی‌کفایتی آن در اجرای کارویژه‌هایش است. فروپاشی دولت، دارای اوصاف داخلی و خارجی است که هم بر جامعه خود و هم بر جامعه بین‌المللی تاثیر می‌گذارد. با این حال این دولت طبق حقوق

۱. مهدی ذاکریان، «کالبد شکافی حقوقی حمله ترکیه به شمال سوریه»، روزنامه دنیای اقتصاد ۳۵۸۸۹۷۷، قابل دسترسی در سایت روزنامه دنیای اقتصاد ۹/۰۸/۱۳۹۸، شماره روزنامه، شماره خبر ۴۷۴۱.

2. Failed State.

۳. سید فضل‌اله موسوی و مهدی حاتمی، «مداخله بشردوستانه؛ نقض قاعده یا استثنا سوم»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۱، بهار، (۱۳۸۶)، صص ۱۵۹-۱۸۹.

بین‌الملل معاصر، دولت محسوب می‌شوند هرچند دچار سوء عملکرد است.^۱ اکنون این پرسش پیش می‌آید که آیا رفتار دولت ترکیه با مرزهای شمالی سوریه ناشی از ناتوانی دولت سوریه در کنترل مرزهایش است؟ آیا می‌توان گفت که دولت ترکیه برای حمایت از مردم سوریه در برابر ناتوانی دولت مرکزی به منظور جلوگیری از فجایعی از جمله ژنوسید، جنایت علیه بشریت و حوادثی از این قبیل در راستای حمایت از مردم آن کشور در مقابل یک حکومت ناتوان وارد خاکش شده است یا برای استفاده از موقعیت بوجود آمده به نفع خود و تحکیم مرزهای خود و یا دست زدن به یکسری از اقدامات ناهنجار گونه از جمله به هم زدن ترکیب جمعیتی نواحی مرزی شمال سوریه دست به چنین اقداماتی زده است؟ پاسخ روشن است دولت ترکیه برای حراست و ضمانت مرزهای خودش وارد عمل شده است و در این اقدام ممکن است برخی اتفاقاتی رخ بدهد که شامل همان چهار مولفه (جنایات جنگی، کشتار جمعی، ژنوسید (نسل‌کشی) و جنایت علیه بشریت) باشد. بنابراین اقدام ترکیه نمی‌تواند از زاویه مسئولیت حمایت مورد توجه قرار گیرد یعنی علاوه بر اینکه دولت ترکیه برای دفع خطر وارد خاک سوریه نشده است بلکه خطراتی نیز برای غیرنظامیان ایجاد کرده و به کشته شدن و آوارگی تعداد زیادی از مردم غیر نظامی دامن زده است.

۱-۶. نقش رضایت در ورود کشور خارجی به کشور تقاضاکننده

اکتبر ۱۹۹۸، سوریه و ترکیه تقریباً وارد جنگ شدند. مناقشه دو کشور با قرارداد آدانا در همان سال حل شد.^۲ بین سوریه و ترکیه توافقی موسوم به توافقنامه آدانا در سال ۱۹۹۸ در خصوص همکاری در مبارزه با تروریسم وجود ایجاد شد هر چند مقامات سوریه اهداف ترکیه را نه تنها مبارزه با تروریسم ندانسته‌اند بلکه حمایت از تروریسم یاد کرده‌اند به طوری که یک مقام وزارت خارجه سوریه بیان داشته: پس از اظهارات مکرر و

۱. آرامش شهبازی و خدیجه جوادی شریف، «وضعیت دولت-کشورهای ناتوان در حقوق بین‌الملل معاصر»، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۹، بهار و تابستان، (۱۳۹۲)، ص ۳۵.

2. ALTUNIŞIK, MELIHA BENLI, and ÖZLEM TÜR. "From Distant Neighbors to Partners? Changing Syrian-Turkish Relations", *Security Dialogue*, Vol. 37, No. 2, (2006), pp. 229-48, <http://www.jstor.org/stable/26299462>. Accessed 29 Apr. 2022.

غیرمسئولانه دولت ترکیه درباره مقاصد خصمانه خود در سوریه، باید گفت که جمهوری عربی سوریه به توافق آدنا و سایر توافقی‌های مربوط به مبارزه با تروریسم پایبند است ولی دولت ترکیه از سال ۲۰۱۱ از طریق پشتیبانی از تروریسم، تأمین مالی و تسهیل رسیدن تروریست‌ها به سوریه یا اشغال خاک سوریه از طریق گروه‌های تروریستی وابسته به خود یا از رهگذر نیروهای مسلح خود به شکل مستقیم، این توافق را نقض کرده و می‌کند.^۱ جز توافق فوق که مورد اختلاف مقامات دو کشور است نشانه‌ای از رضایت کشور سوریه چه به صورت قراردادی یا شفاهی و ضمنی برای ورود ترکیه به خاکش مشاهده نشده است و همواره این عمل را به مثابه اشغال خاک کشورش قلمداد کرده است و نیز هیچگونه نشانه‌ای از بشردوستانه بودن مداخله و وجود شرایط ذکر شده ملاحظه نشده است، ولی با توجه به اینکه دولت ترکیه به بهانه وجود توافق آدنا، ایجاد منطقه امن و کمک به آوارگان سوری ورود خود را توجیه کرده است به نوعی تلاش داشته که نشان دهد دولت سوریه در این خصوص رضایت دارد و اظهارات مقامات ترکیه مبنی بر اینکه با هدف از بین بردن تهدید طولانی‌مدت وجودی ترور، اجرای وحدت و تمامیت ارضی سوریه، حمایت از جمعیت محلی و ایجاد شرایطی برای بازگشت داوطلبانه، ایمن و عزتمندانه آوارگان سوری^۲ را قرینه این رضایت تلقی کند.

اکنون نمونه‌هایی از رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری که در مقام توضیح وضعیت رضایت یک دولت است بیان می‌شود:

کنگو در سال ۱۹۹۹ دعوایی را علیه اوگاندا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه کرد^۳ و در آن ادعا کرد که اوگاندا با تجاوز نظامی به خاک آن کشور مقررات حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. علاوه بر این، کنگو در دادخواست خود ادعا کرد که اوگاندا ضمن اشغال سرزمین آن کشور، قواعد حقوق بشردوستانه را نیز نقض کرده است.

۱. سوریه: ترکیه از تروریست‌ها پشتیبانی می‌کند ۲۶ جنوری ۲۰۱۹، ۱۷:۲۳: قابل دسترسی در سایت <https://af.sputniknews.com/>

۲. سید یاسر ضیایی، «بررسی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی کنگو علیه اوگاندا»، پایگاه تخصصی مطالعاتی INPO، قابل دسترسی در سایت <http://diplomatist.blogfa.com/post/>

3. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda) Press release 1999/34, 23 June 1999: <https://www.icj-cij.org/en/case/116>.

در سال ۲۰۰۱، اوگاندا نیز با طرح دعوایی متقابل مدعی شد که کنگو با تخریب اموال دیپلماتیک آن دولت، کنوانسیون وین را راجع به حقوق دیپلماتیک نقض کرده است. در نهایت دیوان در سال ۲۰۰۵، با صدور حکمی ماهوی اعلام کرد که اوگاندا با اشغال نظامی قسمتی از خاک کنگو اصل منع توسل به زور و اصل منع دخالت در امور داخلی دولت‌های دیگر را نقض کرده است. همچنین دیوان در خصوص دعوی متقابل اوگاندا اعلام کرد که کنگو با تخریب و امحای اموال و اسناد دیپلماتیک دولت اوگاندا مقررات کنوانسیون وین راجع به حقوق دیپلماتیک را نقض کرده است که نظر دیوان نشان از وجود قواعد مستحکم حقوقی است که مبنای استدلال این نهاد بین‌المللی قرار گرفته است. دیوان بیان داشت که پیش از توافق رسمی کابینا و کنگو در ۲۷ آوریل ۱۹۹۸، نیروهای اوگاندا از مرزهای کنگو عبور کرده بودند که منبع مشروعیت آن را باید در رضایت قبلی کنگو جستجو کرد. هر چند دیوان معتقد است که این اجازه یا رضایت قبلی^۱ می‌توانست در هر زمان به وسیله دولت کنگو، بدون لزوم به هیچگونه تشریفات بعدی مسترد گردد (دیوان: چگونه کنگو را در چارچوب استاپل مأخوذ به رضایت خود نمی‌داند؟). اوگاندا معتقد بود که موافقتنامه لوساکا سندی دال بر رضایت کنگو بر حضور نیروهای اوگاندایی است. خصوصاً آنکه این موافقتنامه یک تقویم زمانمندی ۱۸۰ روزه برای اوگاندا در نظر می‌گیرد تا نیروهایش را از کنگو خارج کند.

در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوا کشور نیکاراگوا در آوریل ۱۹۸۴ با تقدیم شکوائیه‌ای به دیوان بین‌المللی دادگستری علیه ایالات متحده، شکایت نمود، دیوان در رای نهایی، (درخواست کمک دولت مورد تجاوز را برای اعمال دفاع مشروع جمعی علی‌رغم وجود رابطه قراردادی ضروری دانست) که این موضوع با مخالفت مستمر مقامات سوری برای ورود نیروهای ترکی به خاکش در تعارض است.

آنتونیو کاسسه چهار شرط برای مداخله کشور ثالث ذکر کرده است: ۱- درخواست کاملاً با رضایت باشد نه اینکه دولت تحت فشار خارجی برای این تقاضا قرار گرفته باشد؛
 ۲- از سوی مقام صالح بر اساس قانون اساسی، رضایت داده شده باشد؛ ۳- دولت درخواست کننده با یک نهضت متشکل برای سرکوبی دولت قانونی درگیر نباشد و ۴-

1. Staple Rule (مبنای اولیه رضایت).

نقض حقوق بشر و خفه کردن مردم را در بر نداشته باشد و یا بدان منجر نشود.^۱ البته امروزه مطابق نظریات جدیدتر و مترقی‌تر، رضایت دولت مرکزی برای مداخله بشردوستانه لزوماً نیاز نیست و ممکن است سازمان ملل متحد ورود به خاک یک کشور را به رسمیت بشناسد. آیا در مورد ورود نظامی ترکیه به سوریه چنین رضایتی وجود دارد؟ بدیهی است که بر اساس برداشت‌هایی از نظرات قضایی دیوان، رضایت باید منبع مشخصی داشته باشد و در برخی موارد رضایت قابل استرداد است و وجود درخواست کمک یک دولت برای مداخله کشور دیگر ضروری است. بنابراین صرف تصور وجود رضایت از سوی حکومت سوریه نمی‌تواند مبنای رضایت برای ورود به سرزمین آن کشور شود و به نظر می‌رسد بیشتر در جهت اقناع افکار عمومی و جامعه بین‌المللی باشد، حتی در برخی موارد اعلام وجود رضایت معاهداتی از سوی حکومت مرکزی نیز بی‌اعتبار است: در خصوص اهمیت منع مداخله یک حکومت خارجی در قلمرو کشور دیگر همین بس که موسسه حقوق بین‌الملل وجود معاهداتی جهت ایجاد مداخله و توسل به زور و یا جهت دفع حق تعیین سرنوشت را بی‌اعتبار دانسته است. انستیتو حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۹ و در اجلاس خود در برلین به صورت غیرمستقیم به اصل منع مداخله اشاره نمود و قطعنامه ۱۹۷۵ را تایید نمود. از جمله دلایلی که مخالفان پذیرش مداخله خارجی در مخاصمات داخلی بدان استناد می‌کنند می‌توان به دو دلیل ذیل اشاره نمود:

الف- اگر حکومتی طی یک معاهده به دولت خارجی اجازه دهد تا در آن کشور مداخله نماید، آن معاهده به دلیل مغایرت با ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد فاقد اعتبار خواهد بود چه آنکه بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور هر نوع تهدید یا توسل به زور در کشور دیگر مطلقاً ممنوع است. ب- اعطای مجوز به دولت خارجی از سوی دولت مستقر با ماهیت آمره

۱. آنتونیو کاسسه، نقش زور در روابط بین‌المللی، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ سوم (تهران: آگاه، ۱۳۹۶)

برخی قواعد حقوق بین‌الملل مثل حق تعیین سرنوشت و منع مداخله و توسل به زور مغایرت دارد.^۱

۲-۶. اختلاف بر سر مفهوم دعوت و رضایت

مهمترین موضوع و اختلافی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که گاهی دولت کمک کننده، دخالت خود را بر مبنای دعوت و رضایت حکومت توجیه می‌کند اما دیگر دولت‌ها باوری به این توجیه نداشته‌اند مثلاً دولت اتحاد جماهیر شوروی دخالت خود را در مجارستان (۱۹۵۶) بنا به دعوت نخست وزیر سابق آن کشور جهت جلوگیری از تغییر حکومت سوسیالیستی در مجارستان توجیه نمود همین توجیه برای دخالت در افغانستان مورد استفاده قرار گرفت و شوروی مدعی شد که دولت جدید افغانستان از آن کشور جهت مداخله دعوت بعمل آورده است و این نیروها تا سال ۱۹۸۹ در افغانستان باقی ماندند. همچنین جالب توجه است که عراق تجاوز به کویت را به بهانه حفظ نظم توجیه نمود و مدعی شد که سربازان عراقی به درخواست حکومت موقت آزاد کویت و به منظور یاری رساندن به آن دولت جهت تثبیت امنیت و نظم مداخله کرده‌اند تا کویتی‌ها متحمل رنج نشوند و نیروهای عراقی به محض برقراری نظم به کشور خود بازخواهند گشت. این ادعا به اتفاق آرا از سوی شورای امنیت در قطعنامه ۶۶۰ سال ۱۹۹۰ رد شد و شورا تجاوز عراق را محکوم نمود و خواستار خروج بی قید و شرط نیروهای عراقی از کویت شد.^۲ در خصوص دولت ترکیه اگرچه ادعای حمایت و ایجاد منطقه امن و کمک به آوارگان سوری و وجود توافقی در مقابله با تروریسم، مفاهیم پر استفاده‌ای برای توجیه عملکرد دولت بوده است (حالتی شبیه به توجیه عراق برای حضور در کویت) اما به دلیل صراحت مخالفت مستمر دولت مرکزی سوریه به وضوح بر جامعه بین‌المللی مشخص است که ترکیه نمی‌تواند رضایت را مبنای حضور خود قرار دهد و اختلافی بر سر نبودن این مفهوم نیست.

۱. ستار عزیز، «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تاکید بر رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳، شماره ۳۳، تابستان، (۱۳۹۰)، از صفحه ۱۶۵ تا صفحه ۱۹۶.

2. Security Council resolution 660 (1990) [on Iraqi invasion of Kuwait], available at: <https://digitallibrary.un.org/record/94220>.

۷. مبارزه با تروریسم، ابهام و ادعا

بسیاری از کشورهای قدرتمند از وجود ابهام میان در مقوله تروریسم بین‌المللی و نهضت‌های آزادیبخش ملی بهره می‌گیرند و آن را چون ابزاری برای پیگیری سیاست‌های استعماری بکار می‌برند.^۱ مبارزه با ترور و عملیات تروریستی بارها از سوی مقامات ترکیه بکار گرفته شده و از آنجا که استفاده از این اصطلاح به منظور مشروعیت بخشیدن به عملیات نظامی آن کشور بوده اکنون در صدد هستیم تا با بررسی این مفاهیم پی ببریم که تروریسم در اسناد بین‌المللی و رویه ارکان سازمان ملل چه جایگاهی دارد و آیا واقعا این حملات به منظور سرکوب تروریسم بوده است؟ از طرفی با توجه به چند وجهی بودن مفهوم تروریسم و مرز باریکی که این مفهوم با حق تعیین سرنوشت دارد حملات پراکنده‌ای که از سوی گروه‌های کرد صورت می‌گیرد عملیات تروریستی است یا عملیاتی در جهت تعیین سرنوشت؟ مطابق رویه دیوان بین‌المللی دادگستری زمانی می‌توان یک عملیات را از سوی گروهی تروریستی قلمداد کرد که آن گروه مورد حمایت موثر دولت مرکزی قرار گیرد آیا کنترل موثر عملیات گروه‌های تروریستی مورد ادعای ترکیه از سوی دولت مرکزی سوریه صورت گرفته است؟

تروریسم مفهوم پیچیده‌ای است. قوانین بین‌المللی بیش از یک قرن است که برای تعریف تروریسم تلاش می‌کند، از تلاش برای همکاری در زمینه استرداد و پیگرد قانونی مظنونان تا تلاش‌های ناموفق سازمان ملل برای تعریف و جرم‌انگاری تروریسم و ... از سال ۲۰۰۱ بیشترین توجه بین‌المللی به همکاری جنایی فراملی علیه تروریسم (بدون تعریف تروریسم بعنوان یک مفهوم یا جرم عمومی) از طریق توسعه معاهدات ویژه «پیگرد قانونی یا استرداد» (مثلاً خشونت علیه هواپیماها یا کشتی‌ها، گروگان‌گیری یا حمله به دیپلمات‌ها) معطوف شد.

شورای امنیت قطعنامه‌ای را در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ تصویب کرد که حملات تروریستی را محکوم نمود و عزم خود را برای مبارزه با اقدامات تروریستی به تمام معنا ابراز داشت. حق ذاتی دفاع شخصی و جمعی را مجدداً تأیید کرد و آمادگی خود را برای برداشتن

۱. دیدخت صادقی حقیقی، «نهضت‌های رهایی‌بخش ملی و تروریسم بین‌المللی از دید حقوق بین‌الملل»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۵ و ۲۰۶، (۱۳۸۳)، صص ۲۸ - ۳۷.

همه گام‌های ضروری برای پاسخگویی به حملات تروریستی اعلام کرد، با این حال مجوز صریح استفاده از زور را ندارد مگر در دفاع از خود.^۱

از دهه ۱۹۷۰، فی‌نفسه تلاش‌هایی از طریق مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ایجاد چارچوب‌های هنجاری برای مقابله با تروریسم وجود داشت که اغلب در مورد موضوعات بحث برانگیز «تروریسم دولتی»^۲ و خشونت جنبش‌های آزادیخواهی محدود می‌شدند. اجماع بیشتر در سال ۱۹۹۴ با تصویب اعلامیه علیه تروریسم توسط مجمع عمومی بدست آمد.^۳ بنظر می‌رسد توافق بین‌المللی بر سر این موضوع که تروریسم فی‌نفسه نامشروع است وجود دارد حتی اگر اختلاف نظر در مورد شناسایی دقیق تروریسم وجود داشته باشد، تلاش برای مقابله با تروریسم نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی تروریسم را چیزی بیش از ارکان فیزیکی آن می‌داند که در حال حاضر در اکثر سیستم‌های حقوقی ملی و معاهدات فراملی خاص، جرم است. جرم خاص تروریسم شاید با ارباب آن بر جمعیت‌های غیرنظامی، تحمیل به دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی و جنبه سیاسی، مذهبی یا عقیدتی آن مشخص شود. جامعه جهانی از جذامی که بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ابعاد گسترده‌تری بر پیکرش افتاده رهایی نیافته است. پدیده‌ای که علاوه بر ستاندن جان افراد بیگناه، صلح و امنیت جهانی را نیز با مخاطرات جدی روبه‌رو کرده است و تمرکز بین‌المللی بیشتر بر روی چالش‌های قانونی ارائه شده توسط تروریسم و مبارزه با تروریسم در بسیاری از شاخه‌های تخصصی حقوق بین‌الملل (بویژه در قانون مسئولیت دولت‌ها، حقوق استفاده از زور و حقوق بشردوستانه بین‌المللی) و همچنین در رویه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تأثیر اقدامات ضد تروریستی بر قوانین بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است.^۴

به نظر می‌رسد با اتخاذ یک تفسیر مضیق از دفاع مشروع، دیوان بین‌المللی دادگستری بطور مؤثر دفاع مشروع را فقط میان دولت‌ها محدود کرده است. دیوان تأیید کرده که

1. U.N. Security Council Res. 1368 (2001) available at <http://www.un.org/Docs/scres/2001/res1368e.pdf>.

2. State Terrorism.

3. Ben Saul, *Defining Terrorism In International Law* (Oxford: New York: Oxford University Press, 2006) Pp. xxxiii, 373.

۶۵. ابراهیم بیگ زاده، «دادگاه ویژه لبنان: گامی در راه گسترش مبارزه با بی‌کیفری»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹،

بهار و تابستان، (۱۳۸۸)، ص ۱۴۶.

دفاع مشروع باید در پاسخ به نقض فاحش از اصل ممنوعیت توسل به زور صورت گرفته باشد. از نظر دیوان در این خصوص باید میان نقض فاحش این اصل و نقض ناچیز آن تفکیک قائل شد چرا که نقض فاحش برخورد جدی‌تری را می‌طلبد. برای انتساب زور به دولت حامی یک گروه مبارز، آن دولت باید کنترل مؤثر را بر عملیات نظامی یا شبه نظامی آن گروه داشته باشد و صرف حمایت کافی نیست. در نتیجه وقتی عملیات تروریستی بطور مؤثر توسط یک دولت کنترل می‌شود دولت دیگر حق دفاع مشروع را پیدا می‌کند.^۱ به نظر می‌رسد با توجه به این تفسیر از دیوان بین‌المللی دادگستری، نمی‌توان عملیات پراکنده گروه‌های مبارز کرد را به منزله تروریسم قلمداد کرد چون اولاً: نقض قاعده منع توسل به زور از طرف این گروه‌ها نقض فاحش نبوده، ثانیاً: دفاع مشروع در مبارزه با تروریسم تنها به مبارزات میان دولت‌ها محدود شده است، ثالثاً: در صورتی که عملیات از سوی گروه‌های داخلی انجام شود باید توسط حکومت مرکزی سازماندهی شوند و کنترل مؤثر بر روی آنها باشد تا مبارزه با آنها مشروعیت پیدا کند چرا که اگر غیر از این باشد ممکن است این مبارزات در جهت استقلال و تعیین سرنوشت باشند. اکنون استدلالی بیان می‌شود که ذهن خوانندگان را به این موضوع سوق می‌دهد که ترکیه در حال مبارزه با گروه‌هایی در شمال سوریه است که به نوعی در جهت دست یافتن به حق تعیین سرنوشت در داخل سوریه مبارزه می‌کنند یعنی علاوه بر اینکه دفاع مشروع در مبارزه با تروریسم مصداق ندارد بلکه به طور سیستماتیک از سوی دولت مرکزی اقداماتی انجام شده است که منجر به از بین بردن حقوق ساکنین در برخی مناطق گردنشین شده است که این امر ماهیت تروریستی بودن حملات این گروه‌ها را منتفی می‌نماید. در ادامه به این موضوع اشاره می‌شود.

۱-۷. ابهام ماهیت تروریستی بودن مبارزه یا تلاش برای حق تعیین سرنوشت بحث در مورد ظهور زمینه‌ای از مقررات بین‌المللی ضد تروریسم در حال افزایش است با این اوصاف که هنوز در مورد ماهیت تروریست بودن گروه‌هایی که با انگیزه حق تعیین سرنوشت مبارزه می‌کنند سوالات و ابهامات فراوانی وجود دارد که باز هم به فرض

۶۶. منوچهر توسلی نائینی و سمیرا محسن پور، «بررسی سیر تحول توسل به زور علیه تروریسم بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رویه قضایی بین‌المللی»، مطالعات حقوقی، دوره ششم، شماره ۳، پاییز، (۱۳۹۳)، ص ۲۴.

تروریستی بودن این گروه‌ها، جوازی برای ورود به خاک یک کشور مستقل فراهم نمی‌گردد.

هر چند که مطابق ادعای مقامات ترکیه، نقض تمامیت سرزمینی سوریه در جهت مبارزه با برخی گروه‌های تروریستی قلمداد شده است اما شواهد گویای این واقعیت است که عملیات ترکیه علیه کردها نمی‌تواند مبارزه با تروریسم باشد چرا که کردهای سوریه و بعنوان مثال منطقه عفرین که در این الگو ذکر شده است به نوعی قربانی جنایت پاکسازی قومی شده و اصل حق تعیین سرنوشت می‌تواند در مورد آنها مصداق پیدا کند و عملیات پراکنده این گروه‌ها نه تنها از سوی حکومت مرکزی سوریه مورد حمایت و کنترل موثر قرار نگرفته است بلکه به نوعی خود قربانی سیاست‌های تبغیض‌آمیز حکومت مرکزی نیز هستند که این امر خود، استدلال ترکیه را زیر سوال می‌برد. برخی از این شواهد عبارتند از:

الف- مرحله وحدت بین مصر و سوریه ۱۹۵۸-۱۹۶۳: قانون شماره ۱۶۱ سال ۱۹۵۸ به نام قانون اصلاحات ارضی صادر شد که به موجب آن هزاران هکتار زمین از صاحبان فتودال از مالکین منطقه عفرین مصادره و به خانواده‌های عرب توزیع شده از مناطق دیگر سوریه، محل اسکان در کرانه‌های رود عفرین در مرزهای اداری منطقه جندرس تاسیس شده است.^۲

ب- مرحله حکومت بعث از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۱۱: سیاست غفلت عمدی از منطقه توسط مقامات بعث مانند خودداری از ساخت کارخانه‌ها و راه‌اندازی پروژه‌های اقتصادی، بهداشتی و خدماتی به منظور تحت فشار قرار دادن ساکنان برای ترک زندگی در شهرهای بزرگ سوریه مانند دمشق و حلب (بعنوان مثال انتقال بیمارستان عفرین به آزاز) - قانون شماره ۲۰۴۴۱، با اصلاحیه فرمان شماره ۲۰۰۸۴۹ در مورد ضرورت اخذ مجوز قانونی در مناطق مرزی. مقامات حاکم هرکسی را که می‌خواست مالکیت یک ملک را در منطقه عفرین به خود منتقل کند برای دریافت مجوز قانونی از وزارت کشور اجبار می‌کردند که این امر منوط به اقدامات امنیتی شدید بود. برعکس اگر خریدار ملک یک

1. The Stage of Unity between Egypt and Syria 1958-1963.

2. Aljurf Azzma, The Syrian Kurds'- Right of Selfdetermination in the Light of Arab Spring (Universidade de Lisboa Faculdade de Direito, 2019).

3. The Stage of the Baath Rule from 1963-2011.

عرب‌تبار و مقیم در منطقه بود، به طور مستقیم و بدون نیاز به تشریفات فوق مجوز می‌گرفت تا هم نوعی تشویق برای آمدن به عفرین و استقرار در آن باشد و هم تغییرات جمعیتی در منطقه ایجاد شود.^۱ بر اساس بررسی‌های جغرافیایی، شناسایی و آزادسازی که پس از سال ۲۰۰۰ در منطقه عفرین آغاز شد، هزاران املاک کشاورزی متعلق به شهروندان کرد در منطقه عفرین به بهانه مجاورت با اراضی جنگلی (منابع طبیعی) یا به نام املاک دولتی توقیف و ثبت شد.

پ- مرحله سوم پس از بحران سوریه در سال ۲۰۱۱: به دلیل درگیری‌های سوریه، هزاران شهروند سوری در شهرهایی که شاهد حوادث وحشیانه بین رژیم و مخالفان مسلح بودند، خانه‌های خود را ترک کردند؛ بیش از ۳۰۰ هزار شهروند عرب از استان‌های مختلف سوریه به منطقه عفرین (که شاهد یک وضعیت امنیتی پایدار تحت حاکمیت دولت خودمختار بود) مهاجرت کردند و برخی آنها از سوی مقامات حاکم وادار شدند که در آنجا مستقر شوند و پروژه‌های اقتصادی را برای آنها باز کردند که بر میزان توزیع جمعیت در منطقه بین کردها و عرب‌ها اثر گذاشت.

نتیجه‌گیری

هر چند که ترکیه برای ورود خود به خاک سوریه به بهانه ایجاد منطقه امن و اسکان آوارگان سوری دلایلی از جمله مبارزه با تروریسم و دفاع مشروع را ذکر کرده است ولی قاعده مهم و آمره منع توسل به زور را نقض نموده چرا که هیچ کدام از شرایط اخذ مجوز از شورای امنیت و یا وجود شرایط دفاع مشروع برای نقض تمامیت ارضی سوریه توجیه‌پذیر نیست و اقدامات بعدی دولت ترکیه بعد از ورود به خاک این کشور نیز نشان دهنده اغراض دولت ترکیه و در ذهن پروراندن برنامه‌های بعدی برای تغییر در بافت جمعیتی مناطق شمالی این کشور و در انداختن طرحی نو است. کشتار غیر نظامیان، آواره شدن بسیاری از مردم و گزارش‌هایی از غارت سیستماتیک خانه‌ها، مغازه‌ها و مزارع در مراکز جمعیتی توسط شبه‌نظامیان عرب سوریه که مورد حمایت ترکیه بودن صورت گرفته که همه گویای این است تهاجم ترکیه در جهت دفع تروریسم و یا دفاع مشروع نیست چرا که شرایط مذکور در خصوص دفاع مشروع از جمله ضرورت و تناسب را

1. Ibid.

نداشته بلکه میل به سوی توسعه‌طلبی و کشورگشایی پیدا کرده و از سوی دیگر در خصوص مبارزه با تروریسم نیز مطابق رویه دیوان بین‌المللی دادگستری اولاً مبارزه با تروریسم معطوف به روابط میان دولت‌هاست، ثانیاً در خصوص گروه‌های شورشی نیز در صورتی که عملیات آنها تروریستی قلمداد شود باید این عملیات مورد حمایت و کنترل موثر حکومت مرکزی باشد تا مجوز توسل به زور از سوی دولت قربانی را فراهم آورد. حال اینکه مبارزات پراکنده در شمال سوریه علیه دولت ترکیه نه تنها از سوی حکومت مرکزی مورد حمایت قرار نگرفته بلکه خود قربانی رفتارهای تبعیض‌آمیز حکومت مرکزی نیز هستند و طبق الگویی که ذکر شد به صورت سیستماتیک حقوق آنها نقض شده و حکومت مرکزی در طول سالیان متمادی در پی تضعیف و از بین بردن آنها بوده است، به صورتی که می‌توان عبارت مبارزه برای تعیین حق سرنوشت نسبت به حکومت سوریه را نیز برای آنها بکار برد. عبارات بکار برده شده از طرف مقامات ترکیه از جمله خیرخواهانه بودن عملیات و یا در جهت کمک به ثبات و صلح در شمال سوریه و یا از بین بردن تهدید طولانی‌مدت وجودی ترور و اجرای وحدت و تمامیت ارضی سوریه، حمایت از جمعیت محلی و ایجاد شرایطی برای بازگشت داوطلبانه، ایمن و عزتمندانه آوارگان سوریه؛ چیزی جز توجیه تخلفات بین‌المللی و نقض قاعده نیست و دولت ترکیه برای حراست و ضمانت مرزهای خودش و ایجاد گسست در مناطق کردی وارد عمل شده است و برای دستیابی به اهدافش مرتکب نقض قاعده منع توسل به زور و اصل منع مداخله شده است.

ORCID

Mahdi Hatami



<https://orcid.org/0000-0002-1965-6312>

Morteza Ahmadifard



<https://orcid.org/0000-0002-1272-8432>

منابع

کتاب‌ها

- زمانی، سید قاسم، «سیاست‌های قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در قبال اصل ممنوعیت توسل به زور»، مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل (تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۶).

- کاسسه، آنتونیو، نقش زور در روابط بین‌المللی، ترجمه مرتضی کلانتریان (تهران: آگاه، ۱۳۷۶).

- مقتدر، هوشنگ، تحولات سازمان ملل متحد (شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۵۳).

مقاله‌ها

- بیگ زاده، ابراهیم، «دادگاه ویژه لبنان: گامی در راه گسترش مبارزه با بی‌کیفری»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹، بهار و تابستان، (۱۳۸۸).

- توسلی نائینی منوچهر و محسن پور، سمیرا، «بررسی سیر تحول توسل به زور علیه تروریسم بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رویه قضایی بین‌المللی»، مطالعات حقوقی، دوره ششم، شماره ۳، پاییز، (۱۳۹۳).

- شریفی، محسن، «تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۱۷، شماره ۱، (۱۳۸۲).

- شهبازی، آرامش و جوادی شریف، خدیجه، «وضعیت دولت - کشورهای ناتوان در حقوق بین‌الملل معاصر»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۹، (۱۳۹۲).

- حقیقی صادقی، دیدخت، «نهضت‌های رهایی‌بخش ملی و تروریسم بین‌الملل از دید حقوق بین‌الملل»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۲۰۵ و ۲۰۶، (۱۳۸۳).

- عزیزی، ستار، «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تاکید بر رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳، تابستان، شماره ۳۳، (۱۳۹۰).

- محمدعلی پور، فریده، «ممنوعیت کاربرد یا تهدید توسل به زور»، مجلس و پژوهش، شماره ۳۵، (۱۳۸۱).

- ممتاز، جمشید و صابری انصاری، بهزاد، «تاثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور»، مجله راهبرد، شماره ۶۳، (۱۳۹۱).

- موسوی، سید فضل‌الله و حاتمی، مهدی، «دفاع مشروع پیشدستانه در حقوق بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲، (۱۳۸۵).

- موسوی، سید فضل‌الله و حاتمی، مهدی، «مداخله بشر دوستانه؛ نقض قاعده یا استثنا سوم»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۱، (۱۳۸۶).

References

Books

- Ben, Saul, *Defining Terrorism in International Law* (Oxford: New York: Oxford University Press, 2006).
- Moghtader, Houshang, *Evolutions of the United Nations* (Shiraz: Shiraz University Press, 1974). [In Persian]
- Zamani Seyed Ghasem, *Judicial Policies of the International Court of Justice on the Principle of Prohibition of the Use of Force*, Proceedings of the Conference on the Role of the International Court of Justice in the Continuity and Development of International Law (Tehran: United Nations Association for Iranian Studies, 2007). [In Persian]
- Aljurf Azzma, *The Syrian Kurds' - Right of Selfdetermination in the Light of Arab Spring*, (Universidade de Lisboa Faculdade de Direito, 2019).
- Cassese, Antonio, *The Role of Force in International Relations*, Translated by Morteza Kalantarian (Tehran: Agah, 1997). [In Persian]

Articles

- Azizi, Star, "Assessing the Legitimacy of Inviting Foreign Interference in Domestic Conflict: Emphasizing the International Court of Justice in the Conventions of Military Activities in the Congo", *Public Law Research*, Volume 13, Number 33, Summer (2011). [In Persian]
- Beigzadeh, Ebrahim, "Lebanese Special Court: A Step Towards the Expansion of the Fight against Impunity", *Legal Research*, No. 49, Spring and Summer, (2009). [In Persian]
- Graham Melling the Use of Force in International Law, *Journal on the Use of Force and International Law*, Vol. 6, No .2 (2019), DOI: 10.1080/20531702.2019.1691365.
- Mohammad Alipour, Farideh, "Prohibition of the Use or Threat of Use of Force", *Parliament and Research*, No. 35, (2002). [In Persian]

- Momtaz, Jamshid and Saberi Ansari, Behzad, “The Effect of the Next Practice of Governments on the Principle of Prohibition of Threats and Use of Force”, *Rahbord Magazine*, No. 63, (2012). [In Persian]
- Mousavi, Seyed Fazlollah and Hatami, Mehdi, “Humanitarian Intervention; History of the Third Rule or Exception”, *Studies in Private Law*, Volume 37, Number 1, (2007). [In Persian]
- Mousavi, Seyed Fazlollah and Hatami, Mehdi, “Preliminary Legitimate Defense in International Law”, *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 72, (2006). [In Persian]
- Sadeghi, Didakht, “National Liberation Movements and International Terrorism from the Perspective of International Law”, *Political-Economic Information*, Nos. 205 and 206, (1383). [In Persian]
- Sharifi, Mohsen, “The Evolution of the Concept of Legitimate Defense in International Law”, *Foreign Policy Quarterly*, Volume. 17, Number 1, (2003). [In Persian]
- Tavassoli Naeini Manouchehr and Mohsenpour, Samira, “Study of the Evolution of the Use of Force against International Terrorism from the Perspective of International Law and International Jurisprudence”, *Legal Studies*, Volume. 6, Number 3, Fall, (2014). [In Persian]
- ALTUNIŞIK, MELIHA BENLİ, and ÖZLEM TÜR. “From Distant Neighbors to Partners? Changing Syrian–Turkish Relations”, *Security Dialogue*, Vol. 37, No. 2, (2006), pp. 229–48, [http:// www. jstor. org/ stable/26299462](http://www.jstor.org/stable/26299462). Accessed 29 Apr. 2022. [In Persian]
- Daniel, Bethlehem, “Principles Relevant to the Scope of a State’s Right of Self-Defense against an Imminent or Actual Armed Attack by Nonstate Actors”, *The American Journal of International Law*, Vol. 106, No. 2, (2012).
- Jens David Ohlin, “The Doctrine of Legitimate Defense”, *International Law Studies*, Vol. 91, No. 119, (2015).
- Michael M, Gunter, “Reopening Turkey’s Closed Kurdish Opening?”, *Middle East Policy*, Vol. 20, No. 2, (Summer 2013), pp. 88-98.

- Michael Wood, “International Law and the Use of Force: What Happens in Practice?”, *Indian Journal of International Law*, Vol. 53, No. 68, (2012).
- Pietro Pustorino, *The Principle of Non-intervention in Recent Non-international Armed Conflicts*, *Question of International Law*, Vol. 53, (2018).

Shahbazi, Aramesh and Javadi Sharif, Khadijeh, “The State of the Powerless in Contemporary International Law”, *Public Law Research*, No. 39, (2013). [In Persian]

DOCS

- Security Council Res. 1368 (2001) available at [http:// www. un. org/ Docs/ scres/2001/res1368e.pdf](http://www.un.org/Docs/scres/2001/res1368e.pdf) U.N.
- Security Council 8645th Meeting (PM) 24 October 2019 available at <https://www.un.org/press/en/2019/sc13994.doc.htm>
- Charter of the United Nations available at [https:// www. un. org/ en/ charter-united-nations](https://www.un.org/en/charter-united-nations) p.252 the Draft Report of the 10th.
- Report of the Special Committee on the Problem of Hungary, *Official Records: Eleventh Session, Supplement No. 18 (A/3592)*, 1957, Para. 266, available at <https://mek.oszk.hu/01200/01274/01274.pdf>
- Advisory Board, “*Encyclopedia of Public International Law*”, Vol. 4, “Use of Force, War and Neutrality, Peace Treaties”, North Holland Publishing Co. 1982, available at [https:// www. imps. ac. ir/ uploads/ Law BooksII/ Encyclopedia-of-Public-International-Law.pdf](https://www.imps.ac.ir/uploads/LawBooksII/Encyclopedia-of-Public-International-Law.pdf).